

Prevention of civil rights violations by FARAJA employees

Lotfullah Darabi¹, Sajjad Akhtari²

Received: 2022-06-07

Accepted: 2022-08-18

Abstract

Background and purpose: crime prevention in Iran has a wider level compared to other countries due to the large number of examples of crime. This issue becomes more important in the case of crimes against citizens' rights when the perpetrators are Faraja employees (general justice officers) who are themselves criminal justice activists. This research seeks to answer two questions and provide suitable solutions to solve them.

Method: The research is applied in terms of purpose and descriptive and analytical in terms of nature and method. The method of collecting information was library (documents).

Findings: Several factors including the approach and behavior and viewpoint of managers and commanders, weak training, incorrect selection and recruitment process, organizational culture, hierarchical pressures for quick crime detection, pressures due to the difficulty of work, professional and scientific weakness for crime detection, The inappropriateness of the amount of manpower, the expectation of the people to identify the criminals and the detection of the crime, the expectations of the judicial and executive authorities of the country for the quick detection of the crime and the arrest of the criminals, the ignorance of the people regarding their rights, the inappropriate performance of the media, etc. in the violation of civil rights by the employees FARAJA plays a role.

Conclusion: The solutions presented in community-oriented prevention, including holding continuous and permanent training courses during service for Faraja employees, are aimed at making the process healthy.

Their socialization and situation-oriented measures, including the technical amendment of criminal laws and care measures, seek to remove opportunities and criminal situations in order to minimize the amount of crimes against citizenship rights and human dignity.

Keywords: community-oriented prevention, situation-oriented prevention, citizen's rights, violation of civil rights, FARAJA employees

Citation (APA): Darabi, Lotfullah; Akhtari, Sajjad. (1401). Prevention of civil rights violations by FARAJA employees, Quarterly of Supervision and Inspection, 16 (60), pp 147-174

DOI: [10.22034/SI.2022.99323](https://doi.org/10.22034/SI.2022.99323)

1. Master's degree in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran (corresponding author). Email: a.0102bisetoon@gmail.com

2. Assistant Professor of the Law Department of Alborz Non-Profit-Non-Governmental University, Karaj, Iran. Email: Sajadakhtari@yahoo.com



پیشگیری از نقض حقوق شهروندی توسط کارکنان فراجا

لطف ا... دارابی^۱، سجاد اختری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: پیشگیری از جرم در ایران به دلیل تعدد مصداقهای جرم در مقایسه با دیگر کشورها سطح وسیعتری دارد. این موضوع در مورد جرائم علیه حقوق شهروندی آن گاه که مرتکبان آن کارکنان فراجا (ضابطان عام دادگستری) باشند که خود از کنشگران عدالت کیفری هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد. این پژوهش به دنبال پاسخ به دو سؤال و ارائه راهکارهای مناسب در جهت رفع آنها است. **روش:** پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی تحلیلی است. روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) بوده است.

یافته‌ها: عوامل متعددی از جمله رویکرد و رفتار و دیدگاه مدیران و فرماندهان، ضعف آموزش، فرایند ناصحیح گزینش و استخدام، فرهنگ سازمانی، فشارهای سلسله مراتب برای کشف سریع جرم، فشارهای ناشی از سختی کار، ضعف تخصصی و علمی برای کشف جرم، نامناسب بودن کمیت نیروی انسانی، انتظار مردم برای شناسایی مجرمان و کشف جرم، انتظارات مقامات قضایی و اجرایی کشور برای کشف سریع جرم و دستگیری مجرمان، ناآگاهی مردم نسبت به حقوق خود، عملکرد نامناسب رسانه‌ها و ... در نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان فراجا نقش دارد.

نتیجه‌گیری: راهکارهای ارائه شده در پیشگیری جامعه‌مدار (اجتماعی) از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی هنگام خدمت به صورت پیوسته و دائم برای کارکنان فراجا به دنبال سالم سازی فرایند جامعه پذیری آنها و تدابیر موقعیت مدار (وضعی) از جمله اصلاح فنی قوانین جرما و تدابیر مراقبتی به دنبال از میان برداشتن فرصتها و موقعیت‌های جرما است تا از این رهگذر میزان جرائم علیه حقوق شهروندی و کرامت انسانی به حداقل برسد.

واژگان کلیدی: پیشگیری جامعه‌مدار، پیشگیری موقعیت‌مدار، حقوق شهروندی، نقض حقوق شهروندی، کارکنان فراجا

استناد (APA): دارابی، لطف ا...؛ اختری، سجاد. (۱۴۰۱). پیشگیری از نقض حقوق شهروندی توسط کارکنان فراجا، فصلنامه نظارت و بازرسی، ۱۶ (۶۰)، صص ۱۷۴-۱۴۷

DOI: 10.22034/Sl.2022.99323

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
رایانامه: a.0102biseton@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه غیرانتفاعی - غیردولتی البرز، کرج، ایران. رایانامه: Sajadaktari@yahoo.com



رسالت اصلی پلیس در هر جامعه‌ای برقراری نظم و امنیت اجتماعی است. دستیابی به این هدف و رسالت خطیر، مستلزم اعطای اختیاراتی توسط قانونگذاران است. این اختیارات بر این مبنا است که پلیس را در راستای دستیابی به هدفش توانمند سازد؛ اما حقوق کیفری مدرن، که تحت تأثیر اصل قانونمندی است به موازات اعطای اختیار به پلیس به موجب قانون همان اختیار نیز محدود، و این محدودیتها بر مبنای حمایت از حقوق و آزادیهای فردی استوار شده است. در واقع ضابطه مند کردن اختیارات پلیس نه تنها به معنای نفی اختیار نیست، بلکه در راستای ایجاد توازن بین حقوق و آزادیهای فردی و عمومی است. از طرفی چون پلیس نماد حاکمیت است، عمل به تکلیف و رعایت حقوق شهروندی توسط او در نگرش مثبت یا منفی به حاکمیت بیشترین تأثیر را دارد. وظایف و مأموریت‌های پلیس عمدتاً در کشورمان دو نوع است: وظایف قضایی در مقام ضابط و وظایف اداری و غیرقضایی در راستای برقراری نظم و امنیت. اصولاً وظایف قضایی پلیس در مرحله پس از وقوع جرم (شامل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و اجرای حکم) و وظایف اداری پلیس به مرحله قبل از ارتکاب جرم (پیشگیری از وقوع جرم) مربوط می‌شود. بنابراین قانونگذار، اختیاراتی به این نهاد، چه در مداخلات پیشینی و چه در مداخلات پسینی داده است؛ اما این اختیارات ممکن است با سوء استفاده از قدرت همراه باشد که مهمترین جلوه آن در زمینه مداخلات پلیسی در مورد نقض حقوق شهروندان قابل تصور است. نقض حقوق شهروندی ابعاد گسترده‌ای دارد. نقض این حقوق در زمینه هر دو دسته از مداخلات پیشینی و پسینی امکانپذیر است به گونه‌ای که اقدامات پیشگیرانه وضعی که توسط پلیس به اجرا در می‌آید، ممکن است پاره‌ای از این حقوق را به مخاطره اندازد تا جایی که یکی از ایرادات وارد بر اقدامات پیشگیرانه وضعی احتمال نقض حقوق شهروندی است. مداخلات پسینی نیز در مراحل مختلف کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و نیز اجرای احکام احتمال همراه شدن با نقض حقوق شهروندی توسط پلیس را داراست. اینکه مقوله نقض حقوق شهروندی توسط پلیس، که خود عهده دار برقراری نظم و امنیت است، غیرممکن تلقی شود، اشتباه است. از طرفی پذیرش این مقوله به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مستلزم شناسایی راهکارهای پیشگیری و مقابله با این پدیده است. از آنجا که پیشگیری از درمان بهتر است، مهمترین گام در راستای مبارزه با این پدیده، پیشگیری از آن است. پیشگیری از جرم دو نوع است: وضعی و اجتماعی. مداخلات پیشینی برای مبارزه با نقض حقوق شهروندی توسط پلیس در هر دوی این موارد قابل تحقق است. مهمترین راهکارهای پیشگیری وضعی از این پدیده در سه مرحله قابل شناسایی است: اقدامات جاذبه زدا،

اقدامات خطر افزا و اقدامات دشوار کننده. راهبردهای پیشگیری اجتماعی از این پدیده نیز در دو بعد خرد و کلان قابل تصور است.

قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری بسیار تلاش کرده است کرامت ذاتی انسانها و حقوق شهروندی آنها را به رسمیت بشناسد؛ از این رو، قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری موضوع ماده ۳۰ قانون پیشگفته را طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ تصویب کرد.

با نگاهی عمیق به مقررات مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری بویژه ماده ۷، که به موجب آن در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در "قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵" از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و دیگر اشخاصی مشخص می‌شود که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است، روح حاکم بر قانون، ترویج قانونمداری و کرامت مداری میان کنشگران عدالت کیفری است؛ هر چند در میان مواد قانونی مقرراتی به چشم می‌خورد که نتیجه رعایت آنها نقض غرض قانونگذار است که تأمین امنیت و رعایت حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی باشد (صبوری پور و جلیلود، ۱۳۹۶)؛ با این همه و با گذشت حدود پنج سال از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، شاهد نقض حقوق شهروندی از سوی کنشگران عدالت کیفری از جمله ضابطان عام دادگستری هستیم. بدین سان، می‌توان گفت صرف تأکید قانونگذار بر رعایت حقوق شهروندی، کفایت نمی‌کند؛ بلکه برای دستیابی به این مهم، باید در کنار وضع قانون برای اجرای بهینه آن برنامه ریزی کرد.

یکی از مقرراتی که می‌تواند به رعایت هرچه بیشتر کرامت انسانی و حقوق شهروندی کمک کند در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴ آمده است. به موجب ماده ۳۰ قانون پیشگفته، "احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن به فراگیری مهارتهای لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری منوط است". تحقیقات و اقدامات از اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی فاقد اعتبار است.

برای عملیاتی شدن این مقرره، تبصره ۱ ماده پیشگفته، دادستان را مکلف کرده است تا پیوسته و همواره دوره‌های آموزشی هنگام خدمت را برای ضابطان دادگستری برپا کند. آیین نامه اجرایی این ماده در شهریورماه ۱۳۹۴ به تصویب رئیس قوه قضاییه وقت رسید. براساس فصل دوم این آیین نامه، هدف برگزاری دوره‌های آموزشی خاص ضابطان دادگستری از جمله ارتقای دانش حقوقی، توانمندسازی و افزایش مهارت شغلی، کمک به افزایش سطح کیفی مرحله کشف

جرم در نظام دادرسی کیفری و آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص است؛ با این حال، گزارشها حاکی است که با گذشت پنج سال از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در عرصه عمل و اجرا دوره‌های آموزشی، آن طور که باید برگزار نمی‌شود و طی این دوره‌ها بیشتر بر آموزش مواد و مقررات شکلی قانون جدید تمرکز شده است. بنابراین لازم است عوامل نقض حقوق شهروندی و کرامت انسانی به طور دقیق شناسایی شود تا در گام بعد، روشهای مناسب و مبتنی بر واقعیت برای پیشگیری از این جرائم ارائه شود تا بتوان از شمار جرائم علیه حقوق شهروندی کاست؛ زیرا ارتکاب جرائمی علیه حقوق شهروندی، علاوه بر هزینه‌های مادی که می‌تواند برای دستگاه عدالت کیفری به همراه داشته باشد، سبب می‌شود چهره سامانه عدالت کیفری توسط کنشگران آن از جمله ضابطان عام دادگستری، مخدوش گردد؛ از این رو، شناسایی عوامل نقض حقوق شهروندی و ارائه راهکار برای پیشگیری از جرائم علیه حقوق شهروندی از سوی کارکنان فراجا واجد اهمیت فراوان است؛ بدین سان، مرکز ثقل این پژوهش "علت شناسی" و "پیشگیری" از نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان عام دادگستری تعیین شده است.

۲. سوالات پژوهش

۱. عوامل نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری چیست؟
۲. شیوه‌های پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴ کدام است؟

۳. پیشینه پژوهش

هاشمی، عباسلو و سوادکوهی (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان "مطالعه تطبیقی فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن لا" انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه این پژوهش در کنار دیگر ارکان مسئولیت مدنی، شرط فعل زیانبار را از ضروریات تحقق و شکل‌گیری مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی دانستند. بر مبنای این پژوهش، تقصیر بیش از هر چیز دیگر در تحقق شرط فعل زیانبار جلوه‌گری می‌کند و در این میان تقصیر از حیث نوع فعل، تقصیر از حیث عنصر روانی فعل زیانبار از جمله مواردی بود که در نقض حقوق شهروندان تأثیر داشت. دستور و نادری (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان "مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندی" انجام

داده‌اند. در این پژوهش مشخص شد که از نظر حقوقی تنها اشخاص حقیقی دارای مسئولیت اعم از کیفری و مدنی نیستند، بلکه اشخاص حقوقی هم اعم از اشخاص حقوق خصوصی و حقوق عمومی برخلاف این اعتقاد، که چون اشخاص حقوقی اراده مستقلی ندارند، نمی‌توان تقصیری را به آنان نسبت داد در برابر رفتار خود مسئول هستند. اشخاص حقوقی مطابق با قانون مجازات اسلامی در صورتی که مسئول شناخته شوند به مجازاتهای قانونی محکوم می‌شوند؛ اما سازمانهای پلیس با اینکه شخصیت حقوقی دارند به دلیل اینکه وظایف آنها در راستای اعمال حاکمیتی است از مجازاتهایی در امان می‌مانند که در قانون برای اشخاص حقوقی پیش بینی شده است. اشخاص حقیقی سازمان پلیس از قبیل مدیران و کارکنان سازمان در مواردی که از قانون تخطی کنند و خارج از اعمال حاکمیتی، مرتکب اقداماتی شوند که برای اعمال حاکمیت ضروری نبوده است، مسئولیت کیفری، مدنی و انتظامی دارند و مطابق با قوانین مسئول هستند. هاشمی، عباسلو و سوادکوهی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان "رابطه سببیت در مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی" انجام داده‌اند. محققان در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که رابطه سببیت در هر دو نظام حقوقی، ظاهری ساده ولی پیچیده دارد و در حقوق ایران صدق عرفی استناد سبب به نتیجه کافی است و معیارهای چندگانه‌ای در حالت تعدد اسباب دارد؛ ولی در نظام حقوقی کامن لا انسجام بیشتری در این زمینه هست و ملاک، سبب نزدیک و مستقیم نتیجه و نبود عامل مستقل بین سبب و نتیجه است. در حقوق ایران در تعدد اسباب می‌توان قاعده مندی بیشتری ایجاد کرد و پس از احراز سبب مسئول در تقسیم مسئولیت در اجتماع اسباب باید به مسئولیت نسبی و تأثیر میزان مداخله توجه کرد و بر این مبنا به اصلاح قانون دست زد و روند وضع قوانین به شیوه دو ماده ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ را گسترش داد. ماندگار و محمودی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق موضوعه ایران" به این نتیجه رسیدند که ضابطان دادگستری در صورت نقض حقوق شهروندی با تحقق شرایط، مسئولیت مدنی دارند که در مقام جبران خسارت یا خود یا سازمان متبوع آنها مسئول قرار می‌گیرند که این امر به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر موضوع و نتیجه رسیدگیهای قضایی بستگی دارد. صبوری پور و جلیلود (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "نقش آموزش در پیشگیری جامعه مدار از نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری" مشخص کردند که نقش آموزش در سه حوزه قانون، حقوق شهروندی و اخلاق حرفه‌ای در پیشگیری از نقض حقوق شهروندی در قالب تدابیر پیشگیرانه جامعه مدار قابل بررسی است؛ زیرا یکی از اهداف پیشگیری جامعه مدار، سالم سازی فرایند جامعه‌پذیری اشخاص است؛ از این رو با اتخاذ تدابیر

آموزشی- پرورشی و دخالت در سامانه شخصیتی افراد و رفع خلأهای رفتاری آنها می‌توان از نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری پیشگیری کرد.

۴. مبانی نظری پژوهش

۴-۱. مفهوم حقوق شهروندی

"شهروند" ترجمه فارسی Citizen است که ریشه آن از واژه لاتین Civitas است. این واژه در زبان لاتین مترادف کلمه Polis به معنای شهر است.

سابقه این واژه در کشور ما چندان زیاد نیست به گونه‌ای که در فرهنگهای عمومی مثل فرهنگ معین یا فرهنگ عمید یا امثال آنها کلمه شهروند تعریف نشده است. فقط در فرهنگهای دو زبانه حییم و آریان پور معادل واژه Citizen از تعبیرهای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت شهرنشینی استفاده شده است که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی، که معنای شهروند را ارائه کرده، "فرهنگ فارسی امروز" است که چنین می‌نویسد: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. هرچند حقوق شهروندی با این عبارت در اروپا پا گرفته از دید مفهومی، این حقوق در ایران و اسلام سده‌ها پیش از اروپا مدون شده است. اعلامیه کوروش بزرگ پس از رسیدن به قدرت، که با آسانگیری و خردمندی در برخورد با دیگر اقوام و آیینها همراه بود، نمونه‌ای از دیرینگی توجه ایرانیان به حقوق شهروندی است. او در اعلامیه مشهور خود هنگام تاجگذاری در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش گفت: "من دین و آیین و رسوم ملت‌هایی را که پادشاه آن هستم، محترم خواهم شمرد ... من هرگز سلطنت خود را بر هیچ ملتی تحمیل نخواهم کرد و هر ملت آزاد است سلطنت مرا قبول کند یا نکند ... من تا روزی که زنده هستم نخواهم گذاشت مال منقول یا غیرمنقول کسی را به زور تصرف کنند یا شخصی را به بیگاری بگیرند و بدون پرداخت مزد او را به بیگاری بگیرند. هرکس آزاد است هر دینی را که میل دارد بپرستد و در هر نقطه که میل دارد سکونت کند و هر شغل که میل دارد پیش گیرد و هر کس مسئول اعمال خود است و هیچ کس را نباید به مناسبت تقصیری از یکی از خویشاوندانش، مجازات کرد ... من تا روزی که زنده هستم نخواهم گذاشت که مردان و زنان را به عنوان کنیز و غلام بفروشند" (جنیدی، ۱۳۷۸).

در تاریخ معاصر ایران، پس از مشروطیت برای نخستین بار قوانینی درباره حقوق شهروندی به تصویب رسید و اصول نوزدهم تا چهل و دوم قانون اساسی به حقوق شهروندان اختصاص یافت. با انقلاب مشروطیت، موضوع حقوق شهروندی، آن هم بی توجه به مسئولیتها و وظایف و بدون

آموزش همگانی مطرح شد. انجمنهای تشکیل شده در دوران مبارزات برای مشروطیت، نماد حکومت محلی و دخالت مردمان بر سرنوشت خودشان به شمار آمد و قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی، که از قانون اساسی مفصلتر بود، چون الحاقیهایی به قانون اساسی افزوده شد تا شهروندی جایگاه مناسب خود را بیابد. از آن هنگام تا امروز، که باز سخن از اصلاح قانون شوراها به میان آمده است، هم چنان در هر کابینه‌ای به گونه‌ای قانون انجمنهای شهر و شوراها زیر و رو می‌شود یا قانون موجود کنار گذاشته، و قانون تازه‌ای تدوین و تصویب می‌شود (پیران، ۱۳۸۵).

فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی به حقوق ملت اختصاص یافته است که در آن بر تفتیش عقیده و تعرض به افراد به علت داشتن عقیده خاص (اصل بیست و سوم)، هتک حرمت و حیثیت بازداشت شدگان (اصل سی و نهم)، شکنجه برای گرفتن اقرار (اصل سی و هشتم)، بازرسی و نرساندن نامه‌ها (اصل بیست و چهارم)، آزادی احزاب (اصل بیست و ششم)، حق تشکیل اجتماعات (اصل بیست و هفتم)، برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل بیست و نهم)، آموزش و پرورش رایگان (اصل سی ام)، برائت همگان (اصل سی و هفتم) تأکید شده است (آشوری، ۱۳۸۰). در این سالها معنای این حقوق چنان برجسته شده که پرداختن به حقوق شهروندی یکی از اولویتهای نظام قضایی، سیاسی و اداری شده است؛ برای نمونه، ماده ۱۴۰ "قانون برنامه چهارم توسعه"، قوه قضاییه را مسئول تهیه "لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد" کرده است. این روند با تصویب ماده واحده "حقوق شهروندی در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی" ادامه یافته است.

۲-۴. مفهوم پیشگیری

دهخدا در معنا و مفهوم پیشگیری می‌نویسد: معنای پیشگیری، عمل پیشگیر، دفع، جلوگیری و پیشگیری کردن، جلوگیری کردن، مانع شدن، منع کردن، به نگهداری برخاستن، از پیش مانع آن شدن و پیشبندی کردن است.

به طور کلی می‌توان گفت که مقصود از پیشگیری در جرم شناسی پیشگیری از جرم است و به تمام اقدامات و تدابیری گفته می‌شود که هدف آن کاهش فرصتها و موقعیت‌های ارتکاب جرم و یا به حداقل رساندن وسعت و شدت ارتکاب آن است. واژه پیشگیری امروزه در معنی جاری و رایج آن دو بعد دارد: پیشگیری یا جلوگیری کردن هم به معنی "پیشدستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن" و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است؛ اما در جرم شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود (نجفی و ابرندآبادی، ۱۳۸۹).

۳-۴. حدود وظایف و اختیارات پلیس

معیار و ضابطه اصلی در تشخیص حدود وظایف، اختیارات و مأموریت‌های فراجا با توجه به قانون فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ و قانون الحاق سه تبصره به بند ۱۲ ماده ۴ قانون فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، است که قانون اخیر در ۱۳۷۹/۲/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

۴-۴. حقوق شهروندی در اندیشه‌های ناب و فرمان ۸ ماده ای امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) در ۱۳۶۱/۹/۲۴ در فرمان هشت‌ماده‌ای خود خطاب به قوه قضاییه و تمام ارگانهای اجرایی، "حقوق انسانها و شهروندی" را بسیار شفاف و صریح مطرح کردند. در بخشی از بیانات امام (ره) در فرمان ۸ ماده‌ای آمده است:

"قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای ناخواسته به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که زمان استواری و سازندگی است، احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند."

همین رویکرد را به حقوق شهروندی در اندیشه رهبر معظم انقلاب نیز می‌توان بخوبی مشاهده کرد. تأکید ایشان بر حقوق شهروندی تا آنجاست که مراعات حقوق شهروندی را وظیفه اصلی حاکم اسلامی می‌دانند: «نقطه محوری مسئولیت هم رعایت حدود و حقوق مردم، رعایت عدالت در میان مردم، رعایت انصاف در قضایای مردم و تلاش برای تأمین امور مردم است. برای حاکم اسلامی، حوائج و نیازهای مردم اصل است.» هم چنین رهبر معظم انقلاب به پیوستگی آزادی و حقوق شهروندی با مفاهیم دینی تأکید می‌کنند: "ما به آزادی معتقدیم و اعتقاد ما به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی هم، ریشه‌دار و دارای مبانی دینی است" (رضوی، ۱۳۹۱).

۴-۵. حقوق شهروندی در قانون اساسی

حقوق شهروندی در محتوای قانون اساسی با توجه به ابعاد گوناگون آن به این شرح است:

الف) حقوق سیاسی - اجتماعی شهروندان: در بند ششم اصل سوم قانون اساسی، "محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی" و در بند هفتم این اصل "تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی" و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات به منظور "مشارکت عامه مردم در تبیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش" به عنوان تکالیف مهم دولت و حکومت از جمله مواردی است که قانونگذار، بنیادهای حقوق سیاسی و اجتماعی مردم را ترسیم کرده است.

سلب نکردن آزادیهای مشروع حتی با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با استفاده از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهای مورد تأکید قانونگذار در اصل نهم قانون اساسی است. در اصل هشتم قانون اساسی بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حقوق و تکالیف متقابل دولت و مردم تأکید شده است.

ممنوع کردن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مؤاخذه به دلیل عقیده - اصل ۲۳ - آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوع بودن بازرسی نامه‌ها، ضبط و فاش کردن گفتگوهای تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و پرهیز از هر گونه تجسس - اصل ۲۵ - آزادی احزاب و جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی - اصل ۲۶ - آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمای‌ها - اصل ۲۷ - از جمله اصول تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

ب) حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی: حق انتخاب شغل و امکان انتخاب شغل - اصل ۲۸ - دارا بودن مسکن متناسب - اصل ۳۱ - و مصونیت شغل و مسکن از تعرض، حرمت مالکیت شخصی - اصل ۴۶ و ۴۷ و برخورداری از تأمین اجتماعی - اصل ۲۹ - از جمله مواردی است که قانونگذار به عنوان حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی لحاظ کرده است.

پ) حقوق قضایی: هشت اصل از قانون اساسی به حقوق قضایی شهروندان تخصیص داده شده است. اصول ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸ و ۳۹ حقوق قضایی شهروندان را تبیین کرده است. هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان ایجاد امنیت قضایی برای اعضای جامعه است. در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی بر تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه "برای همه و تساوی عمومی در برابر قانون" تصریح شده است.

عطف به ماسبق نشدن قانون - اصل ۱۶۹؛ اصل براءت - اصل ۳۷؛ اصل تأمین قضایی - اصل ۳۲؛ اصل استفاده از حق وکیل - اصل ۳۵؛ اصل ممنوع بودن شکنجه و گرفتن اقرار با تهدید و ارباب - اصل ۳۸؛ اصل علنی بودن دادرسی - اصل ۱۵؛ اصل حق مسلم دادخواهی - اصل ۳۴؛ از جمله حقوق قضایی شهروندی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

ت) حقوق فرهنگی: گر چه اصل بیستم قانون اساسی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه ابعاد حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را با رعایت موازین اسلام سیاست محوری حقوق شهروندی قرار داده در اصول اختصاصی جزئیات حقوق فرهنگی به طور آشکار مورد بحث قرار نگرفته است.

از جمله حقوق فرهنگی تصریح شده در قانون اساسی، دادن حق استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و در رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی برای اقوام مختلف ساکن در ایران است. هم چنین بند سوم اصل سوم قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه در تمام سطوح و آسانسازی آموزش عالی تأکید شده است؛ بر همگانی ساختن آموزش و رایگان کردن آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه و گسترش آموزش‌های دانشگاهی به طور رایگان نیز با رعایت امکانات در اصل سی ام قانون اساسی تصریح شده است.

۴-۶. حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران

قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۱۰۰، دولت را موظف کرده است به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، با انضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، "منشور حقوق شهروندی" را شامل محورهای ذیل تنظیم کند و به تصویب مراجع ذی ربط برساند:

الف) پرورش عمومی قانونمداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی
 ب) تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تعیین آزادی در حق انتخاب‌شدن و انتخاب کردن
 ج) هدایت فعالیتهای سیاسی و اجتماعی به سمت فرایندهای قانون و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و اجتماعات قانونی
 د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان
 ه) ترویج مفاهیم وحدت‌آفرینی و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی

و) حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه

قانون برنامه چهارم توسعه، همان طور که دولت را به تهیه منشور حقوق شهروندی موظف کرد به موجب ماده ۱۳۰، قوه قضاییه را نیز مکلف کرد لویح مربوط به حقوق شهروندی را تهیه کند و به تصویب مراجع ذی صلاح برساند؛ از جمله این لویح، که با حقوق شهروندی ارتباط مستقیم دارد، عبارت است از: لایحه جرم‌زدایی از قوانین کیفری به منظور جلوگیری از تضییع

حقوق و آزادیهای عمومی، لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی، حمایت از حریم خصوصی افراد، رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی در قلمرو حقوقی و قضایی، لایحه حمایت از حقوق شهود و متهمان و لایحه حمایت از زیاندیدگان اجتماعی، لایحه تعریف جرم سیاسی و جدا کردن آن از دیگر جرائم (وب سایت تبیان).

۴-۷. حقوق شهروندی در قانون مدنی ایران

در قانون مدنی ایران، شرایط برخورداری (اهلیت تمتع) از حقوق شخصی و اجتماعی و اجرای حقوق (اهلیت استیفا) مشخص شده است. طبق ماده ۹۵۶ قانون، اهلیت دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع می‌شود و با مرگ وی پایان می‌یابد.

ماده ۹۶۰ قانون مدنی اذعان می‌کند: "هیچ کس نمی‌تواند از خود سلب حرمت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از حرمت خود صرف نظر کند".

ماده ۹۵۸ قانون مدنی اشعار می‌دارد: "هر انسان، متمتع از حقوق مدنی خواهد بود؛ لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد".^۱ به موجب ماده ۹۵۹ این قانون، سلب حقوق انسانی و شهروندی بکلی ممنوع است. مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی درباره اعطای تابعیت ایرانی است.

۴-۸. حقوق شهروندی در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی، که در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید درباره نقض حقوق شهروندی ایرانیان توسط دولتمردان و دیگر شهروندان، ضمانت اجراهای کیفری قید شده است. در فصل دهم این قانون تحت عنوان تقصیرات مقامات و مأموران دولتی در موارد شکنجه برای گرفتن اقرار، بازداشت غیر قانونی، ورود به منزل اشخاص بدون مجوز قانونی و ... مجازات مشخص شده است. طبق ماده ۵۷۰ این قانون، "هر یک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادیهای شخصی افراد ملت را سلب کنند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کنند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد" (زراعت، ۱۳۷۹).

۴-۹. حقوق شهروندی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴)

آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، چگونگی رسیدگی، صدور رأی، راه‌های

۱. حسینی نیک، سیدعباس، مجموعه قوانین کاربردی مجد، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ ششم، تهران ۱۳۸۸.

اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود (خالقی، ۱۳۹۲).

مواد ۴، ۵، ۶، ۷، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۱۴۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۹۷، ۱۹۹ این قانون مرتبط با تکالیف ضابطان قضایی است که به رعایت حقوق شهروندی در مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی و اجرای حکم اشاره دارد و به منظور جلوگیری از تکرار و اطاله کلام در ادامه ضمن بررسی اقدامات پلیس شهروند مدار به آنها پرداخته خواهد شد.

۴-۱۰. حقوق شهروندی در قانون، احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی

براساس ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون، تمام محاکم عمومی، انقلاب، نظامی و دادرها و ضابطان قوه قضاییه مکلفند در اجرای وظایف قانونی خویش موارد ذیل را بدقت رعایت و اجرا کنند. متخلفان به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱) کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیق شخصی و سوء استفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲) محکومیتها باید طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳) محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴) با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵) اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶) در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف آنان اجتناب گردد.

۷) بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدامهای خلاف عرف خودداری ورزند.

۸) بازرسی‌ها و معاینات محلی به منظور دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم ندارد یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری گردد.

۹) هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع است و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله، حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰) تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده می‌گیرند و در اجرای وظایف خود به روشهای خلاف آن متوسل شده‌اند براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱) پرسش‌ها باید، مفید و روشن و با اتهام یا اتهامات انتسابی مرتبط باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲) پاسخها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته، و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القا ایجاد نگردد.

۱۳) محاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴) از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توفیقی متهمان اجتناب شود و در اولین فرصت ممکن ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیای تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول شود و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵) رئیس قوه قضاییه موظف است هیئتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظفند با این هیئت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیئت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه

بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی، و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضاییه گزارش کند.

این قانون فوق شامل ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب شده، و در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است (رضایی پور، ۱۳۹۰، ص ۸۰-۷۵).

۵. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر نوع و هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) است.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. علت شناسی نقض حقوق شهروندی از سوی پلیس

۶-۱-۱. علل و عوامل درون سازمانی

- فرماندهی: اولین عامل مهم و درون سازمانی در نقض حقوق شهروندی، چگونگی اعمال فرماندهی و مدیریت در واحدهای انتظامی است. فرمانده و مدیری که پایبند مقررات و قوانین باشد، فرماندهی که از بینش و جهانبینی الهی قوی برخوردار باشد و نقش و جایگاه انسان را در منظومه آفرینش بداند و برای انسانی که روح خدایی در او دمیده شده و خلیفه الله است، ارزش قائل شود، اجازه نخواهد داد که حقوق شهروندان توسط زبردستان او براحتمال شود. فرماندهان و مدیران انتظامی بهترین و مؤثرترین الگوی زبردستان خود، و علاوه بر آن مسئول تمام رفتار کارکنانشان نیز هستند.

ماده ۵۷ آیین نامه انضباطی درباره الگو بودن فرماندهان و مدیران: "رفتار و روش فرماندهان، رؤسا و مدیران باید بهترین نمونه و الگوی انضباط معنوی و ظاهری برای پرسنل باشد. آنان از لحاظ دیانت، تقوی، مهارت، شهامت، بردباری، حسن رفتار و رعایت اخلاق اسلامی نیز برای پرسنل جمعی خود نمونه باشند" (آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

- آموزش: دومین عامل درون سازمانی که فرماندهان با اعمال آن می‌توانند از وقوع جرائم علیه حقوق شهروندی توسط مأموران پیشگیری کنند، آموزش است. لازم است به کارکنانی که شغلشان در ارتباط با ارباب رجوع، متهمان و مجرمان است در زمینه لزوم رعایت اصول و موازین شرعی و اخلاقی و نیز رعایت حقوق شهروندی مردم و کرامت انسانها در فرایند اجرای

مأموریت‌های مرتبط، دستگیری، بازجویی، بدرقه و نگهداری متهمان و مظنونان با استفاده از احادیث، آیات و روایات پیوسته آموزش و آگاهی داده شود؛ زیرا کارکنان اگر پیامد اخروی و دنیوی رفتار خود را از حیث مجازات ندانند، ممکن است به اقدامات خودسرانه دست بزنند که آثار ناگواری را به دنبال داشته باشد.

- **گزینش:** یکی از عوامل بسیار مهم درون سازمانی که می‌تواند در نقض حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد، جذب و گزینش نیروی انسانی نامناسب و نامطلوب است؛ چرا که به رغم رشد صنعت و فناوری، آنچه در دنیای امروز همچنان اهمیت و اعتبار خود را حفظ کرده، نیروی انسانی است. هر سازمان برای دستیابی به اهداف خود باید به این عنصر مهم توجه کند.

- **فرهنگ سازمانی:** چهارمین عامل درون سازمانی که در انتقال ارزشها و هنجارهای مورد قبول و پیشگیری از بروز رفتار خشونت آمیز نقش می‌تواند نقش تعیین کننده داشته باشد، فرهنگ سازمانی است. مقصود از فرهنگ سازمانی سامانه‌ای از استنباط مشترک است که اعضا نسبت به سازمان دارند و همین ویژگی موجب جدا کردن دو سازمان از یکدیگر می‌شود.

در برخی موارد فرهنگ مکتوب در جزوات و جلسات رسمی آموزش با ارزشهای سازمانی که در رفتار و فعالیت‌های افراد مشاهده می‌شود در تضاد است؛ مثلاً برخی از کارکنان معتقدند که برخورد با متهمان فقط با زبان زور کارساز است و این شیوه برخورد بسیار تأثیرگذار و نتیجه‌بخش است.

- **کنترل:** پنجمین عامل درون سازمانی که به تحقق اهداف سازمانها و در پیشگیری از ارتکاب جرم کمک قابل توجهی می‌کند، ساختار کنترل است.

فرماندهان و مدیران باید در فرایند کنترل، مفهوم رفتاری آن را تشخیص دهند. کنترل مؤثر به انگیزش کارکنان کمک می‌کند؛ اما می‌تواند آثار منفی نیز در عملکرد آنان داشته باشد. سامانه کنترل باید عادلانه، دارای مفهوم باشد و با کارکنان در میان گذاشته شود و با اهداف سازمانی تناسب داشته باشد.

فرماندهان و مدیران باید بر وظایف کارکنان خود نظارت کنند تا هر نوع موارد نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان به طور کامل بررسی، و مجازات‌های مناسب اعمال، و از قربانیان جبران خسارت شود.

- **فشارهای غیرمنطقی سلسله مراتبی (برای افزایش آمار کشف جرم):** در سامانه‌ای که برای هر یک از یگانها در جرائم عمومی شاخص تعیین شده است، فرماندهان و رؤسای واحدهایی که میزان جرائم بیشتر از شاخص باشد، مورد مؤاخذه و بازخواست و تنبیه قرار می‌گیرند؛ لذا فرماندهان این

واحد‌ها در جهت تنزل یا کاهش میزان رشد جرائم بویژه دزدی به اعمال خشونت و برخورد شدید با متهمان و مجرمان دستگیر شده اقدام می‌کنند. به نظر می‌رسد که این عامل سازمانی در ترغیب کارکنان کوپها و ادارات آگاهی به اعمال شدت عمل در اقرار و اعترافگیری بسیار تأثیرگذار است.

- فشارهای ناشی از سختی کار: یکی از عوامل درون سازمانی مؤثر بر نقض حقوق شهروندی، فشارهای عصبی ناشی از سختی کار است. تراکم کاری در کوپها و ادارات آگاهی و مأموریت‌های متعدد و طولانی مدت، دوری از خانواده در روحيات کارکنان بسیار تأثیرگذار است و بعضاً آنان را در مقابل متهمان به واکنشهای شدید وادار می‌کند. علاوه بر آن، چون کارکنانی که با مجرمان خطرناک و با سابقه سروکار دارند و در طول خدمت با حوادث و اتفاقاتی رو به رو می‌شوند که دل‌هر انسانی را می‌آزارد بر رفتار آنان تأثیرات بد روانی می‌گذارد که در پاره‌ای از موارد به خشونت علیه متهمان و مجرمان منجر می‌شود.

- ضعف تخصصی و فنی در کشف جرم و شناسایی مجرم: علوم جرم یابی مجموعه روشهایی است که به واسطه آنها اوضاع و احوال دقیق ارتکاب جرم تعیین می‌شود. پلیس علمی، تن‌پیمایی جنایی و پزشکی قانونی از رشته‌های این علم به شمار می‌رود. علوم جرم یابی به نوعی چراغ راهی برای جمع‌آوری دلائل و آثار وقوع جرم و شناسایی متهم است.

ضعف در آموزش علوم جرم یابی و ضعف مهارت ضابطان دادگستری در این حوزه در کنار دلایلی همچون حجم زیاد پرونده‌ها و کمبود امکانات پلیس، سبب می‌شود ضابطان برای اینکه زود به نتیجه برسند و جرم را کشف و متهم را شناسایی کنند، اقدامات خود را در چارچوب توسل به روشهای نامتعارف انجام دهند. این امر از یک سو، چهره ایران اسلامی را مخدوش، و از سوی دیگر، اعتماد شهروندان را نسبت به نهادهای عدالت کیفری سلب می‌کند که حافظ حقوق آنها است.

- نامتناسب بودن کمیت نیروی انسانی با مأموریتها: نیروی انسانی یگانها با توجه به گسترش حوزه‌های استحضاطی و افزایش جمعیت و ترکیب آن و نیز ظهور انواعی از ابزارهای جدید و پیچیدگی برخی از آنها، چندان افزایش نیافته است و از نیروی انسانی موجود جوابگوی مشکلات جدید نیست و بازنگری در این زمینه از ضروریات است.

- کم توجهی به تأمین نیاز مالی کارکنان: با توجه به میزان استرس، حجم و ساعت کاری، دغدغه فکری کار و انرژی که نیروهای ضابط صرف ایفای وظایف قانونی می‌کنند، دستمزد ماهانه آنها موجبات رضایت شغلی و آرامش خاطر را برآورده نمی‌سازد و چه بسا زمینه‌های روی آوردن این قشر به جرائمی همچون ارتشا را فراهم می‌آورد. نداشتن رضایت شغلی و آرامش در طول روز و هنگام خدمت، موجبات بروز خشونت، رفتار نامتناسب و تضییع حقوق شهروندان را به دنبال دارد.

- مجهز نبودن اتاقهای بازجویی به تجهیزات فیلمبرداری و دوربین مدار بسته: تجربه نشان می‌دهد که تجهیز اتاقهای بازجویی و تحت نظرگاه‌ها امکان نقض حقوق شهروندی بویژه ضرب و جرح را بشدت کاهش می‌دهد.

- مدارا و مامشات فرماندهان و مدیران در برابر خشونت زیردستان نسبت به متهمان: در بعضی موارد مشاهده می‌شود که برخی از مدیران به منظور تسریع در رسیدگی به پرونده و ... با این توجیه که برخورد با کارکنان موجب تضعیف روحیه آنان و نرسیدن به نتیجه می‌شود، نسبت به رفتار خلاف مقررات و حقوق شهروندی مامشات و چشم پوشی می‌کنند.

۲-۱-۶. علل عوامل برون سازمانی

- انتظارات مردم از پلیس برای کشف سریع جرم: مردم بویژه بزه‌دیدگان انتظار دارند که پلیس به محض وقوع جرم نسبت به شناسایی و کشف جرم اقدام، و در اسرع وقت مجرمان را دستگیر کند و به منظور مجازات به دستگاه قضایی تحویل دهد؛ ولی در مواردی به علت پیچیدگی جرائم، کشف و شناسایی بموقع آنها امکانپذیر نیست و لذا انتظارات مردم تأمین نمی‌شود.

- انتظارات مقامات قضایی و اجرایی (خارج از توان فراجا) برای کشف جرم: در وقوع جرائم بویژه جرائمی که در سطح جامعه بازتاب شدید و گسترده‌ای دارد، فراجا معمولاً از سوی مقامات اجرایی و قضایی درباره شناسایی و کشف جرائم تحت فشار قرار می‌گیرد. گرچه این خواسته بحق آنهاست در برخی از موارد به علت پیچیده بودن جرائم، کشف و شناسایی و دستگیری سریع مجرمان امکانپذیر نیست.

- ناآگاهی مردم از حقوق شهروندی خود: در برخی موارد ناآگاهی ارباب رجوع از حقوق شهروندی سبب می‌شود که هرگونه رفتار و عملکرد بد کارکنان را، عادی و قانونی تلقی و آن را تحمل کنند و موضوع را به سامانه‌های نظارتی فراجا منعکس نکنند؛ به عنوان مثال شهروندان باید بدانند و آگاه باشند اگر شخصی به عنوان ضابط دادگستری قصد تحدید حقوق آنها را داشت، آن شخص باید برای اثبات هویت خود کارت ضابطیت داشته باشد یا شهروندان باید بدانند برای ثبت شکایت، لزومی ندارد آن را مکتوب کنند بلکه اعتبار شکایت شفاهی و کتبی از نظر قانون یکسان است؛ همین طور ضابطان دادگستری مکلفند در هر ساعتی از شبانه‌روز شکایت آنها را ثبت کنند و به ایشان رسید تحویل دهند. متهم نیز باید بداند با شروع تحت نظر قرار گرفتن می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند؛ هر چند دسترسی به وکیل در مرحله تحت نظر به یک ساعت محدود، و صرفاً ملاقات با متهم و نه حضور در بازجویی و دفاع از متهم در مرحله بازجویی است. مورد دیگر حق متهم مبنی بر آگاه ساختن خانواده یا آشنایان خود با تلفن یا هر وسیله ممکن از تحت نظر بودن خود است.

- عملکرد نامناسب برخی رسانه‌ها در بازتاب اخبار و حوادث و نشان دادن تصویر غیرواقعی از رفتار و برخورد پلیس: "برخی رسانه‌های مکتوب به دلیل ویژگی‌های ژورنالیستی در جهت جلب مشتری، اغلب اخبار و حوادث و وقایع را با آب و تاب و بعضاً به صورت غیرواقعی در سطح جامعه انعکاس می‌دهند و فضای التهاب آوری را ایجاد می‌کنند. در این گونه موارد فراجا باید در اسرع وقت در جهت تصویر واقعی از حوادث اقدام، و از ایجاد هرگونه فضای مسموم در زمینه عملکرد خود جلوگیری کند" (مودن‌زادگان و افشاری، ۱۳۹۲).

- اقدامات تحریک آمیز توسط مراجعان و متهمان: گرچه باید آستان تحمل پلیس در برخوردهای نامتعارف ارباب رجوع و متهمان بسیار زیاد باشد، برخی از موارد اقدامات تحریک آمیز متهمان و ارباب رجوع، فحاشی و بی نزاکتی آنان سبب درگیری لفظی و به دنبال آن وقوع رفتارهای خشن از جمله ضرب و جرح از سوی پلیس می‌شود.

همان طور که در ماده ۳۷ و بند (پ)، ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده، رفتار با گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده از عوامل مخففه مجازات و مؤثر در کاهش میزان تقصیر بزه‌کار است. این مقرر قانونی خود مؤید مطلب است. هم چنین براساس ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ترمذ از روی علم یا آگاهی نسبت به مأمور دولت در هنگام اجرای وظیفه به دلیل هرگونه حمله یا مقاومتی جرم به شمار می‌رود.

- مساعدت مقامات قضایی و پیگیری فرماندهان برای کاهش مجازات کارکنان: بیطرفی مرجع قضایی از دیگر اصول هدایت کننده به منظور رسیدن به هدف رعایت دادرسی منصفانه برای شهروندان است. رعایت اصل بیطرفی از سوی قاضی در شرع مقدس اسلام تا آنجا واجد اهمیت است که بیان شده است قضاات باید در صحبت کردن، نگاه کردن، نشستن و ... اصل تساوی متهم و شاکی را رعایت کنند و نمی‌توانند یکی از طرفین را بی دلیل بر دیگری برتری دهند.

۲-۶. عوامل ناظر بر قانون آیین دادرسی کیفری

قانونگذار ایران در سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ با تصویب و اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری و نیز تصویب آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری، گامی بلند در تضمین حقوق قضایی شهروندان برداشت؛ با این حال، گاه ساختار قانونی به گونه‌ای است که موقعیت را برای سوء استفاده ضابطان دادگستری و نقض حقوق شهروندی فراهم می‌آورد؛ زیرا وضع مقرراتی ناقص، ناهمگون، مبهم و مجمل از سوی قانونگذار در مجلس قانونگذاری و به دور از واقعیت‌های جامعه، خود فرصت و موقعیت ارتکاب جرم را فراهم می‌کند.

۶-۲-۱. اجرا ناپذیری قانون

منظور از اجرا ناپذیری، عدم امکان اجرای مقررات قانونی است. عدم اجرای قانون گاه به این دلیل است که قانونگذار پیش از وضع قانون با اهل فن از جمله قضات، دادستانها، استادان حقوق و ضابطان دادگستری، مشورت کافی نکرده است؛ از این رو مقرراتی وضع می‌کند که امکان اجرا ندارد. گاه عدم اجرای قانون در نبود امکانات لازم و اهمال متصدیانی ریشه دارد که وظیفه فراهم‌آوری تجهیزات مورد نیاز را برای اجرای قانون بر عهده دارند.

- اجرا ناپذیری ذاتی: قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴، سعی کرده است با جزئی‌نگری برای هر موضوعی مقرره‌ای خاص وضع کند؛ برای مثال در ماده ۴۷ قانون پیشگفته آمده است: "هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هر یک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود؛" برای مثال طبق گزارش ضابطان دادگستری از زمان دستگیری مظنون تا انتقال او به کلانتری و تشکیل پرونده برای وی با توجه به وضعیت جغرافیایی، شلوغی شهر و امثال اینها، گاه پیش می‌آید مدت زمان صرف شده، بیش از یک ساعت طول بکشد؛ حال چگونه حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود؟

- اجرا ناپذیری اداری: مورد دیگر صدور کارت ویژه ضابط دادگستری است. در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است: "احراز عنوان علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری منوط است. تحقیقات و اقدامات اشخاص فاقد این کارت ممنوع، و از نظر قانونی بدون اعتبار است." علاوه بر این در ماده ۱ و ۲ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴ بر لزوم تحصیل کارت ویژه ضابطیت تأکید شده است.

۶-۲-۲. کارکنان وظیفه

در تبصره ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴، آمده است: "کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری نیستند؛ اما تحت نظارت ضابطان در این مورد ادای وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست."

ایراد و ابهام این است که از یک سو، کارکنان وظیفه را ضابط به شمار نیاورده و از سوی دیگر، بیان کرده است که آنها تحت نظارت ضابطان وظیفه خود را انجام می‌دهند. قانون مشخص نکرده است که آیا کارکنان وظیفه می‌توانند در مواردی همچون جلب متهم نیز اقدام کنند یا خیر.

باید حدود اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری، صریح و بدون ابهام تعیین شود تا بدون نیاز به تفسیر مقررات، راه اعمال سلیقه شخصی در این مورد بسته شود؛ برای مثال در ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است: "شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند".

استفاده از کلمه مبهم و قابل انعطاف «ضرورت»، موقعیتی را فراهم می‌کند تا حق مسلم متهم در این زمینه با برخورد سلیقه‌ای ضابط دادگستری، اعمال نفوذ و سوء استفاده از قدرت آنها رو به رو شود که گاهی از مبانی حقوقی - جرم شناختی این حق آگاهی ندارند (جلیوند، ۱۳۹۶).

۶-۲-۴. عدم رعایت اصل کیفی بودن قوانین کیفری

فارغ از تناسب داشتن یا نداشتن ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در قانون، آنچه اهمیت دارد و ممکن است زمینه‌ساز نقض حقوق شهروندی باشد، عدم رعایت اصل کیفی بودن قوانین کیفری است؛ چرا که قوانین کیفری باید صریح، منجز و آثار قانون برای مخاطبان آن قابل پیش‌بینی باشد.

۶-۲-۵. استفاده نکردن از ظرفیتهای

ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «به تشخیص رئیس قوه قضاییه، دادرهای تخصصی از قبیل دادرهای... حقوق شهروندی زیر نظر دادرهای شهرستان تشکیل می‌شود.» این ماده بی‌شک جزء مواد مترقی این قانون و گامی رو به جلو به منظور حفظ، پاسداشت و احقاق شهروندان است. از دیدگاه شرعی و در ضروریات پنجگانه، حفظ نفس از مال والا تر است؛ این در حالی است که برای جرائم بانکی دادرهای تخصصی تشکیل شده است ولی برای حقوق شهروندی که با حیثیت و کرامت انسانها در ارتباط است، دادرهای تخصصی تشکیل نشده است.

۶-۳. روشهای پیشگیری از نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان فراما

در این نوشتار اقدامات پیشگیرانه، که به دنبال تأثیرگذاری بر عوامل جرمزا است در دو دسته کلی "پیشگیری اجتماعی" و "پیشگیری وضعی" بررسی می‌شود.

با توجه به هدف این پژوهش، که پیشگیری از نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان ناجا است، تدابیر پیشگیرانه اجتماعی با رویکردی آموزشی در چهار گفتار شامل آموزشهای ضمن خدمت، آموزش قانون و مقررات، آموزش رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی، آموزش شهروندمداری و تکریم ارباب رجوع، آموزش در برخورد صحیح فرماندهان و مدیران با کارکنان، آموزش شیوه‌های علمی کشف جرائم به کارکنان بازجو و کارکنانی که با متهم و مجرم سروکار دارند و بهبود فرایند استخدام نیروی انسانی و شایسته‌گزینی بیان می‌شود:

- برگزاری آموزشهای ضمن خدمت برای ارتقای آگاهی کارکنان: آموزش و آگاهی در تمام سطوح سازمانی، یکی از نیازهای ضروری فراجا در زمان حاضر است. آموزش مسائل معنوی و اعتقادی در کنار مسائل حرفه‌ای سبب می‌شود که پلیس در مأموریتها به صورت شفاف و سالم خدمت کند و از کارایی و اثربخشی بسیاری برخوردار شود.

- آموزش قوانین و مقررات: هر چه میزان آگاهی از قانون بیشتر باشد، اعضای آن جامعه قانونگراتر خواهند بود. در واقع نهادینه سازی روحیه قانونگرایی در میان اعضای جامعه سبب می‌شود آنها احساس همبستگی بیشتری با حاکمیت پیدا کنند؛ از این رو وحدت و انسجام جامعه بیشتر می‌شود.

- آموزش رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی: در کنار آموزش قانون و حقوق شهروندی به ضابطان دادگستری، آنچه مهم می‌نماید آموزش رعایت برخورد کرامت مدارانه از سوی ضابطان دادگستری با شهروندان است. کرامت انسانی قلب هویت بشر و مبنای حقوق اساسی بشری است. رعایت اصل حاکمیت قانون و دیگر اصول حاکم بر دادرسی منصفانه به رعایت کرامت انسانی و حقوق بشری وابسته است (سولیس، ۲۰۰۸).

- آموزش فرماندهان و مدیران در برخورد صحیح با کارکنان: در برخی واحدها، که آمار دزدی آنها افزایش می‌یابد، اگر کشفیات آنان کم باشد، معمولاً مورد مؤاخذه و بازخواست قرار می‌گیرند. بنابراین فرماندهان این واحدها برای کشف بیشتر جرائم به کارکنان زیر مجموعه فشار می‌آورند که این اعمال فشار سبب بروز رفتارهای نامتعارف از سوی کارکنان نسبت به متهمان و مجرمان می‌شود و از طرفی مماشات فرماندهان در برابر رفتارهای نامتعارف کارکنان سبب افزایش رفتارهای خلاف حقوق شهروندی می‌شود.

- آموزش شیوه‌های علمی کشف جرائم به کارکنان بازجو و کارکنانی که با متهم و مجرم سروکار دارند: کارکنانی که در زمینه کشف جرم ضعیف هستند و تخصص لازم را در این زمینه ندارند، معمولاً برای جبران ضعف تخصص خود و آسانی در کشف جرم به تهدید و ارعاب و یا ضرب و جرح

متهمان اقدام می‌کنند. بنابراین لازم است کارکنان پلیس به منظور پیشگیری از رفتارهای خلاف حقوق شهروندی با شگردهای علمی بازجویی و تشخیص دروغ، فرایندهای ذهنی دروغگوها و راستگوها، شگردهای مورد استفاده آنها برای باورپذیر جلوه دادن اظهارات خود، شیوه‌های تشخیص دروغ فیزیکی، استفاده از دستگاه‌های دروغیاب، استفاده از تحلیلگرهای استرس صدا و اسکن حرارتی و دیگر روشهای علمی آشنایی پیدا کنند.

- بهبود فرایند استخدام و شایسته‌گزینی^۱ (برترگزینی): راه‌حل دیگری که می‌توان در چارچوب پیشگیری جامعه مدار مطرح کرد، مقوله شایسته‌گزینی است. براساس علت‌شناسی، اصل شایسته‌سالاری باید در فرایند جذب، گزینش و استخدام ضابطان دادگستری از سوی دست‌اندرکاران مورد توجه و تأکید عملی قرار گیرد. پایبندی به این اصل سبب می‌شود اشخاصی در کسوت ضابط، متولی برقراری امنیت و آزادی اشخاص شوند که شایستگی و لیاقت کافی را دارند.

۶-۳-۲. روشهای پیشگیری موقعیت مدار (وضعی)

روشهای پیشگیری موقعیت مدار (وضعی) از قبیل اصلاح فنی قوانین، کیفی بودن قوانین برای رفع ابهام از مواد قانونی و صراحت و امکان پیش‌بینی آثار کیفری قوانین، اصلاح قانون براساس واقعیت‌ها، صلاحیت زدایی از اشخاص غیر صالح باید در دستور کار قرار گیرد. هم‌چنین استفاده از روشهای جدید کشف جرم از قبیل بهبود امکانات و تجهیزات، مثل تجهیز اتاقهای بازجویی و بازداشتگاه‌ها و افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف خود باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

۷. نتیجه‌گیری

در علت‌شناسی نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان فراجا و پاسخ به سؤال اول تحقیق عوامل درون سازمانی، عوامل برون سازمانی، عوامل ناظر بر قانون آیین دادرسی کیفری و عوامل ناظر بر ضابطان دادگستری به عنوان عوامل نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان فراجا شناسایی شد. در بخش عوامل درون سازمانی رویکرد و رفتار و دیدگاه فرماندهان و مدیران، ضعف آموزش، فرایند ناصحیح گزینش و استخدام، فرهنگ سازمانی، ضعف کنترل و نظارت، فشارهای سلسله مراتب برای کشف سریع جرم، فشارهای ناشی از سختی کار، ضعف تخصصی و علمی برای کشف جرم، نامناسب بودن کمیت نیروی انسانی با مأموریتها، کم توجهی به نیازهای مالی

کارکنان و مجهز نبودن اتاقهای بازجویی به تجهیزات و دوربین‌های مداربسته برای نقض حقوق شهروندی مشخص شد.

ضمن بحث درباره عوامل برون سازمانی، انتظار مردم برای شناسایی مجرمان و کشف جرم، انتظارات مقامات قضایی و اجرایی کشور برای کشف سریع جرم و دستگیری مجرمان، ناآگاهی مردم از حقوق خود، عملکرد نامناسب رسانه‌ها، اقدامات تحریک آمیز متهمان و در پاره‌ای موارد مامشات فرماندهان و مقامات قضایی با کارکنان متخلف برای نقض حقوق شهروندی بیان شد. در بخش عوامل ناظر بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴، عدم رعایت اصول فنی قانون نویسی و تدوین قانون بدون لحاظ واقعیت‌ها، سبب شده است مقرراتی وضع شود که به عنوان مثال یا امکان اجرا ندارد یا اختیارات گسترده و بی حد و مرزی به ضابطان دادگستری داده است. همین ایرادات قانون نویسی در بسیاری از موارد، موقعیت و فرصت برای ضابطان دادگستری فراهم می‌آورد تا با اعمال سلیقه شخصی و گاه با سوء استفاده از موقعیت شغلی، حقوق شهروندی را نقض کنند.

در مبحث عوامل ناظر بر ضابطان دادگستری بیان شد کارکنان فراجا بویژه ضابطان دادگستری عمدتاً به علت ندانستن قانون و مقررات و پایبند نبودن به آن، مرتکب جرائم علیه حقوق شهروندی و کرامت انسانی می‌شوند.

برای پاسخ به پرسش دوم و براساس یافته‌های پژوهش، روشهای پیشگیری از نقض حقوق شهروندی از سوی کارکنان فراجا در پیشگیری جامعه مدار (اجتماعی) برای دستیابی به این مهم، لازم است از طریق برگزاری آموزشهای ضمن خدمت برای ارتقای آگاهی کارکنان، آموزش قوانین و مقررات، آموزش رعایت کرامت انسانی و حقوق شهروندی، آموزش شهروندمداری و تکریم ارباب رجوع، آموزش فرماندهان و مدیران در برخورد صحیح با کارکنان، آموزش شیوه‌های علمی کشف جرائم به کارکنان بازجو و کارکنانی که با متهم و مجرم سروکار دارند، بهبود فرایند استخدام و شایسته‌گزینی بیش از پیش مورد اهتمام قرار گیرد.

در روشهای پیشگیری موقعیت مدار (وضعی) بیان شد که اصلاح فنی قوانین، کیفی بودن قوانین برای رفع ابهام از مواد قانونی و صراحت و امکان پیش‌بینی آثار کیفری قوانین، اصلاح قانون بر اساس واقعیت‌ها، صلاحیت زدایی از اشخاص غیرصالح باید در دستور کار قرار گیرد. هم چنین استفاده از روشهای جدید کشف جرم از قبیل بهبود امکانات و تجهیزات، مثل تجهیز اتاقهای بازجویی و بازداشتگاه‌ها و نیز افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و تکالیف خود باید مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

۸. پیشنهادهای کاربردی

- ساعس فراجا کارکنانی را که شغلشان در ارتباط با متهمان است درباره لزوم رعایت اصول و موازین شرعی و اخلاقی و نیز رعایت حقوق شهروندی مردم و متهمان و کرامت انسانها در فرایند اجرای مأموریتها، دستگیری، بازجویی، بدرقه و نگهداری متهمان و مظنونان با استفاده از احادیث، آیات و روایات مورد آموزش و آگاهی لازم و مستمر قرار دهد.
- شکایات مردم از عدم رعایت حقوق شهروندی توسط کارکنان و یگانها به سامانه ۱۹۷ در اولویت قرار گیرد و با جدیت رسیدگی شود.
- با تغییر سیاستهای موجود در زمینه استخدام ضابطان دادگستری، اشخاصی به عنوان ضابط دادگستری به شهروندان خدمت کنند که شایستگیهای علمی و عملی مورد نیاز را داشته باشند؛ به عنوان مثال می‌توان داشتن مدرک کارشناسی و معدل تحصیلی خوب را از شرایط لازم برای استخدام در فراجا در نظر گرفت.
- نیازهای مالی و معنوی ضابطان دادگستری در حوزه اشتغال باید به گونه‌ای مطلوب تأمین و تضمین شود تا اشخاص نخبه، اولویت شغلی خود را خدمت در فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.
- تدابیر پیشگیرانه جامعه مدار هزینة و زمانبر است. نیاز است در کنار تدابیر پیشگفته، راهکارهایی ارائه و به کار گرفته شود که فرصت و موقعیت ارتکاب جرم را از میان بردارد.
- پیشنهاد می‌شود قانونگذار طی مواد دهگانه‌ای اقدامات علیه حقوق شهروندی و کرامت انسانی را جرم انگاری و بدون اینکه ضمانت اجرای جرم را به قانونی دیگر احاله کند، پاسخهای کیفی مربوط به هر جرمی را در ماده مختص به آن جرم بیاورد تا از این رهگذر، تابعان قانون از پاسخ اقدامات خود به صورت شفاف آگاهی یابند. از سوی دیگر، لازم است تشکیل دادرسی تخصصی جرائم علیه حقوق شهروندی و کرامت انسانی در شمار مواد آمره قرار گیرد تا مقامات قضایی متخصص در حوزه حقوق شهروندی و کرامت انسانی به این جرائم رسیدگی کنند.
- پیشنهاد می‌شود اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری در موادی همچون ۴۸، ۵۰ و ۵۷ ضابطه‌مند شود تا عرصه اعمال نظر شخصی از سوی ضابطان دادگستری تنگ گردد.

۹. سپاسگزاری

در پایان این مقاله لازم است از تمامی کسانی که در این پژوهش به ما یاری و کمک کردند، تقدیر، تشکر و سپاسگزاری کنیم.

فهرست منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). دانشنامه سیاسی، چ چهاردهم، انتشارات ققنوس.
- آشوری، محمد؛ بشیریه، حسین؛ هاشمی، سیدمحمد و یزدی، عبدالمجید. (۱۳۹۴). حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. انتشارات خرسندی.
- اکبری رومنی، فرناز. (۱۳۷۹). وظیفه ضابطان دادگستری و رعایت حقوق فردی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۵). شهروندی از حقوق تا مسئولیت. تهران، ش ۵۳. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=73286>
- جلیوند، سارا. (۱۳۹۶). پیشگیری از نقض حقوق شهروندی از سوی ضابطان دادگستری با تأکید بر ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- جنیدی، فریدون. (۱۳۷۸). حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان. نشر بلخ.
- حسینی نیک، سید عباس. (۱۳۹۸). مجموعه قوانین کاربردی مجد. چ ششم. چاپ مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- خالقی، علی. (۱۳۹۷). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهردانش.
- دستور، علی و نادری، مجید. (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی پلیس در قبال نقض حقوق شهروندی. فصلنامه علمی دانش انتظامی هرمزگان، دوره ۶، ش ۷۱. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_91387.html
- رجبی، ابراهیم. (۱۳۸۸). پلیس و حقوق شهروندی، مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاه.
- رضایی پور، آرزو. (۱۳۹۰). مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، نشر آریان، چ سوم.
- رضوی، محمد. (۱۳۹۱). پلیس و استانداردهای حقوق شهروندی. نشر دانشگاه علوم انتظامی.
- زراعت، عباس. (۱۳۷۹). شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات). نشر فیض.
- صبوری پور، مهدی و جلیوند، سارا. (۱۳۹۶). نقش آموزش در پیشگیری جامعه مدار از نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری. نشریه علمی پژوهش‌های دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، مقاله ۸، دوره ۱۹، ش ۳، شماره پیاپی ۷۶، ص ۱۶۷-۱۹۴. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_11454.html

- صبوری پور، مهدی و جلیلود، سارا. (۱۳۹۸). نقش آموزش در پیشگیری جامعه مداراز نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان قضایی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش انتظامی، ش ۷۶ دوره ۱۹. قابل بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/1750566>
- غلامی، محمد مهدی. (۱۳۸۱). ضابطان دادگستری، وظایف و اختیارات آنان در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی.
- کردعلیوند، روح‌الدین و محمدی، احمد. (۱۳۸۸). بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی، انتشارات مجد.
- ماندگار، مصطفی و محمودی، عنایت. (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق موضوعه ایران. فصلنامه علمی دانش انتظامی فارس، مقاله ۶، دوره ۳، ش ۱۱، ص ۸۹-۱۲۶. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_18040.html
- معاونت آموزش ناجا. (۱۳۸۶). آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح. چ مرکز فناوری معاونت آموزش ناجا.
- مؤذن‌زادگان، حسن علی و افشاری، فاطمه. (۱۳۹۲). نقش رسانه در پیشگیری از جرم در سیاست جنایی ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۴. قابل بازیابی از: <https://jviews.ujss.ac.ir/article-1-365-fa.html>
- موسوی، سیدپوریا. (۱۳۹۵). مبانی و آثار حقوقی - جرم‌شناختی اصل قانونمندی دادرسی کیفری موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید قم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم، در مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی. انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نشر گرایش).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۹). تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۵). دانشنامه جرم شناسی، انتشارات گنج دانش.

- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۳). اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، س دوم، ش ۶. قابل بازیابی از: https://jclr.atu.ac.ir/article_662.html

- وروایی، اکبر؛ بهرامی پور، رسول و محمدی، همت. (۱۳۹۳). ضرورت آموزش ضابطین دادگستری و پلیس قضایی در تحقق عدالت کیفری و حفظ حقوق متهمین در نظام کیفری ایران، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش در علوم انتظامی، س دوم، ش سوم. قابل بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/1394673>

- هاشمی، سید محمد؛ عباسلو، بختیار و سوادکوهی، سام. (۱۳۹۸). رابطه سببیت در مسئولیت مدنی پلیس در نقض حقوق شهروندی. نشریه علمی پژوهشهای دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، دوره ۲۱، ش ۴، ش پیاپی ۸۵، ص ۲۱۱-۲۴۰. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_94731.html

- هاشمی، سیدمحمد؛ عباسلو، بختیار و سوادکوهی، سام. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن لا. نشریه علمی پژوهشهای دانش انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، دوره ۲۳، ش ۱- ش پیاپی ۹۰، ص ۲۳۹-۲۶۹. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_96797.html

- Farrington, D. P., & Lambert, S. (2008). **Predicting offender profiles from offense and victim characteristics**. In *Criminal Profiling* (pp. 135-167). Humana Press. Available at: <http://eknygos.lsmuni.lt/springer/605/135-167.pdf>

- Kocsis, R. N. (2006). **What Is Criminal Profiling?** (pp. 1-11). Humana Press. Available at: https://www.researchgate.net/publication/246972764_Kocsis_RN_2006_Criminal_Profiling_Principles_and_Practice

- Siegel, L. J., & Ziembo-Vogl, J. M. (2010). **Criminology: Theories, patterns, and typologies**. Wadsworth/Cengage Learning.

- Solis, C. (2008). **Human dignity/human rights and the police: Training that manifests rule of law operations**. Publication Series-European Institute for Crime Prevention and Control, 53, 161. Available at: https://www.echr.coe.int/documents/handbook_european_convention_police_eng.pdf